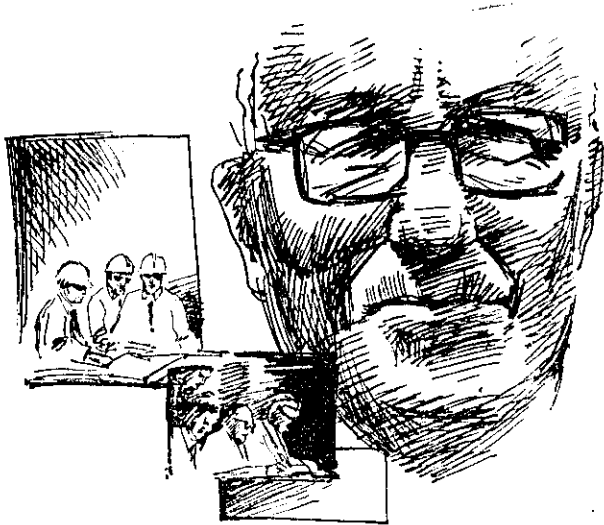




اخلاق و تجارت



سخنرانی کارن هرمنوس، کشیش کلیسای جماعت نیوانگلند در سمینار تجارت پینسیلوانیا (Saratago Springs) ترجمه و گزینش: علیرضا خاکی - ادوار عیسی بیگ

مقدمه مترجمان:

رویکرد دوباره انسان، به ارزش‌های معنوی، جدی‌ترین مسأله روزگار ما است، شاهد این سخن، تحولات اخیر در ساختار جوامع بخش عظیمی از جهان است. در این جوامع هر روز میلیون‌ها انسان خواستار حاکمیت «دوباره معنویت» بر سرنوشت خویش می‌شوند، در همین راستا، دست‌اندرکاران و مدیران سازمان‌های اجتماعی غربی نیز دریافته‌اند، مکانیزم‌های انگیزاننده که فقط بر «ارضای نیازهای زیستی» تکیه دارد، قادر به هدایت پیوسته و کارای «رفتار سازمانی» کارکنان یک سازمان نیست.

سخنرانی «هرمنوس» نگاهی اجتماعی به ارزش‌های اخلاقی مؤثر در تجارت است، این نوع نگرش‌های ارزشی به تجارت می‌تواند رهگشای محققان و پژوهشگران در دستیابی به چارچوب یک «مدیریت خودی» باشد.

یک روحانی صرف‌نظر از اینکه کشیش یک کلیسای محلی است یا یک عالم مسیحی با تحصیلات عالی دانشگاهی، بطور کلی اطلاعات محدودی در زمینه مسائل مربوط به جامعه مدرن اقتصادی و تجاری دارد. فی‌المثل بودجه یک کلیسا حتی در مورد کلیساهای بزرگ یا مؤسسات و مراکز مذهبی اصلاً با دارائی‌های کلان و سرسام‌آور تجارت جاری عصر ما قابل قیاس نیست.

و از اینجاست که زبان بیگانه و شیوه‌های پیچیده اقتصادی، ارقام و محاسبات دارائی‌های کلان بکلی او را مبہوت و متحیر می‌سازد. گرچه واعظان در تعالیم خود که از کتاب مقدس ملهم‌شده اظهار می‌دارند که: «... خداوند از تو چه چیز را می‌طلبد، غیر از اینکه انصاف را

بجا آوری و رحمت را دوست بداری و در حضور خدای خویش با فروتنی سلوک نمایی» (کتاب میکاه نبی از عهد عتیق باب ۶ آیه ۸)، اما در عین حال ذهن آنان با این سؤال در کنکاش و ستیز است که چه اقدامات و گامهایی را برای دستیابی به آرمانهایی چون انصاف رحمت و عدالت در کل جامعه باید سپری کرد؟

در دنیای تجاری و جامعه شغلی نیز همچون بعد معنوی و روحانی با یک سری ارزش‌هایی سروکار داریم که هرچند این ارزش‌ها متفاوتند، اما از نظر اهمیت و عملکرد مشابه می‌باشند.

طبق تعالیم الهی در کتاب مقدس «انسان نمی‌تواند دو آقا را خدمت کند. زیرا یا از یکی نفرت دارد و با دیگری محبت و یا به یکی می‌چسبد و دیگر را حقیر می‌شمارد» (انجیل متی باب ۶ آیه ۲۴) شناخت، السقاء و پرورش چنین ارزش‌هایی که از اساس بینش الهی در یک جامعه اقتصادی است، مسئولیت خطیری است که امروزه مبناداران حق و راستی را بدمد فرا می‌خواند.

لذا باتوجه به این مفروضات، بر ما واجب است که به ارزیابی جامع‌ای بپردازیم که در آن زندگی می‌کنیم. تا پیامی را که شریعت مدون در طی سالها ما را بدان دعوت نموده، تحقق بخشیم و با نگرشی نوین بر قوانین الهی به اصلاح ساختارهای اخلاقی اقتصاد و تجارت موجودمان بپردازیم.

پولس، رسول و حواری عیسی مسیح که تقریباً ۱۹ قرن پیش در یک جامعه نیمه مستمدن می‌زیست، در رساله به رومیان باب ۷ آیه ۱۹ چنین می‌گوید: زیرا آن نیکویی را که می‌خواهم نمی‌کنم، بلکه بدی را که نمی‌خواهم می‌کنم. این بیان امروز نیز که در جامعه بسیار پیچیده سرمایه‌داری بسر می‌بریم مصداق دارد. چرا که اندکی تأمل کافی است تا ما را از تضادهای درون

خود که ناشی از تأثیر دنیای مادی و فرآیندهای گوناگون آن است، مطلع سازد.

در واقع این تضاد در دنیای امروز ما بیشتر احساس می‌شود. زیرا یک فرد شاغل مجبور است در تمام طول روز در محل کارش حالتی تهاجمی و رقابتی داشته باشد و سپس به خانه یعنی به جائیکه فضایش در اغلب موارد از عشق و محبت متقابل و خوبی و ملاحظه‌کاری آکنده است، باز گردد.

کانون گرم خانواده که بر مدارا و بخشندگی، مهربانی و ملاحظت استوار است، چگونه با روش‌ها و ارزش‌های جامعه اقتصادی و تجارت مسخ شده ما در تضاد نخواهد بود؟

تلخی این تضاد کام میلیونها مرد و زن را که مجبورند در دو دنیا، یعنی دنیای اداره و دنیای خانه زندگی کنند، بخود آشنا ساخته است. آیا برآستی در چنین زندگی مالیخولیائی میتوان صلح و صفا را که شالوده هر معرفتی است به قبض خود درآورد؟

و بدین ترتیب نسل ما برای حل مشکلات و رسیدن به موفقیت و آرامش درونی به روانکاران روی می‌آورد، تا بدینوسیله از کشمکش‌های ناشی از این تضادها رهایی یابد.

سردرگمی اخلاقی در زندگی آمریکائی‌تنها به یک رقابت و موفقیت‌طلبی و بالارفتن از نردبان ترقی محدود نمی‌شود. بلکه در سطح گسترده‌تری از جامعه نمایان است. رهبران صنعتی از روش‌های مختلفی برای وادار کردن قانونگذاران به وضع قوانینی که متناسب با صنعت بخصوصی است، استفاده می‌کنند. دست‌اندرکاران مشاغل با هدایای برجسته مأمورین دولت را به حمایت از خود یا افراد از قبل تعیین شده‌ای وامی‌دارند. روش‌های قبیح دیگری از قبیل استفاده از فحشاء برای انجام فروش‌های بزرگ بکار گرفته می‌شود. از گیرنده‌های مخفی

برای استراق سمع در مورد مشاغل رقیب استفاده می‌شود. دروغهای بزرگ در باره اهدافی طلائی بگونه‌ای بیان می‌شود. تا سرمایه‌گذاران را ترغیب به سرمایه‌گذاری کند تا از این طریق عده‌ای فرصت طلب را به سودهای کلانی برساند. و به این ترتیب مدیریت صنعتی و تجاری با انجام امور غیرقانونی تهدید شده و یا با مخفی کاری و حق حساب‌دادن همراه شده است. در واقع ارزش‌های اخلاقی هر روز از عرصه تجارت و جامعه اقتصادی بیرون افکنده می‌شود. ترقی و بهره‌برداری در همه جا چنان با اعمال پستی توأم شده که زندگی را بش دون و خار نموده است. هر روز با تبلیغاتی روبرو هستیم که نهنها چهره محصول مورد نظر را با دروغ بزرگ می‌کنند، بلکه بی‌شرمانه عملاً به تحقیر انسانها نیز مبادرت می‌ورزد. بهای روی کالاها خریدار را آنچنان مفتون و اغفال می‌کند که او را از نگرینستنه به ارزش حقیقی کالا یا کاربرد عملی آن منصرف و بی‌تفاوت می‌سازد.

هر روز به شما روش‌های فرار از مالیات افزوده می‌شود که برخی قانونی و برخی دیگر غیرقانونی است. اینها نمونه‌هایی از حقه‌بازی و قانون‌شکنی رایج و متداول جوامع ما است. در مورد افرادی می‌شنویم که برای سرپوش گذاشتن بر یک شهادت دروغ یا حمایت قانونی از یک طرح یا هدقی مشکوک، رشوه‌های کلانی به جیب می‌زنند. در مورد فروشندگانی که به شرکت‌های خریدار برای خرید کالاهایشان و سپس احتکار و بالا رفتن قیمت‌ها، پول می‌دهند، هر روزه گزارش‌های انبوهی می‌رسد. و این فهرست فساد تجاری و اقتصادی به همین ترتیب ادامه می‌یابد. در این میان، عده‌ای این حقایق تلخ را انکار نمی‌کنند، بلکه با سربلندی عاقلانه و با پرووئی خاصی اذعان می‌دارند: «بدون نقض مقررات و قانون‌شکنی نمی‌توان مدت زیادی در کار دوام آورد».

بدتر از همه تأثیری است که این شرارت‌ها بر واکنش عامه مردم گذاشته است. به طوریکه مردم مخالفتی با استانداردهای منحرف اخلاقی از خود بروز نمی‌دهند. این را می‌توان در خلاصه یا توجیه کردن سخنان همقطارانشان در رسوایی‌های مطبوعاتی یا تلویزیونی مشاهده کرد. خیلی اوقات دیده شده که اقشار مختلفی از مردم تمایل به آزادی مجرمین از خود نشان داده و حتی در پاره‌ای موارد نسبت به آنها دلسوزی کرده و آنها را در صف قهرمانان آورده‌اند. با توجه به این فساد اجتماعی سخن کم‌دینی را بخاطر می‌آوریم که به کنایه گفته بود «این روزها، اخلاقیات خیلی کمیاب است». و متأسفانه اینها مثنی نمونه از خروارها وقایعی است که در تجارت و اقتصاد کنونی بعنوان شیوه‌های اقتصادی حاکم است.

گفتن اینکه: «عدالت قوم را رفیع می‌گرداند، اما گناه برای قوم عار است» (کتاب امثال سلیمان از عهد عتیق باب ۱۴ آیه ۳۴) ساده است اما وقتی که نه تنها عوام بلکه مسئولین و رهبران اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مملکتی چنین

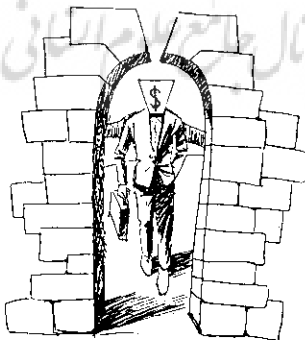
دچار فقر اخلاقی شوند، این سخن باور نکردنی و استهزاءآمیز بنظر می‌رسد. ویلیام جیمز فیلسوف و روانشناس آمریکائی می‌گوید: «جنگیدن بخاطر خوبی، حتی اگر به نتیجه‌ای هم منتج نشود، شادی‌بخش است... بیائید به یاری خداوند در یک دنیای علمی، نه در جهانی تخیلی دلیرانه به جنگ بپردازیم». اکثر ما عقاید او را در این زمینه می‌ستائیم و با آنها موافقیم اما در عمل هیچ کاری انجام نمی‌دهیم. عدم تلاش و سکوت ما این چاپلوسی و هرزگی نامقدس را قوت می‌بخشد.

خلاصه سخن این است که یک روی سکه از آن فاتحانی است که با بی‌عدالتی و قانون‌شکنی توسن افتخارات کاذب خود سوارند و روی دیگر سکه از آن مظلومان و ستم‌دیدگانی است که یا باید مهر سکوت بر لب زنند و به کنج زندگی بخزند و یا اینکه دائماً با احساس از عدم اجرای عدالت، در مصاف باشند.

به راستی نسل خسته و داغ‌دیده ما نیز مشتاقانه در جستجوی کلام نسلهای پیشین است. بطوریکه داود پیغمبر در زبور می‌فرماید: «خوشا بحال کسیکه به مشورت شریران نرود و به راه گناهکاران نایستد و در مجلس استهزاکنندگان نهنشیند. بلکه رغبت او در شریعت خداوند است و روز و شب در آن تفکر می‌کند. (مزمور ۱ آیا ۱ و ۲).

لذا در این مقطع و بر همه از زمان است که حضور و تأثیر مذهب نه تنها طلب می‌شود، بلکه انتظار ایفای نقشی اصلاح‌گر از آن می‌رود. به طوریکه روحی اخلاقی در کالبد سرد جامعه حلول کند و طراوت حیات و زندگی، همگان را سرمست از خودسازد. روحی اخلاقی که متأثر از میراث ارزش‌ها و بارورهای معنوی و روحانی مذهبی است.

مذهب باید سعی کند مواردی را که در برگیرنده عدالت اجتماعی است از تصویب قانونگذاران بگذراند.



مذهب همیشه باید متوجه و ناظر چگونگی تقسیم دارایی‌های ملی باشد.

مطالعه در معیارهای اخلاقی مذهبی (معیارهای اخلاقی مبتنی بر کتاب مقدس شامل عهد عتیق و عهد جدید) ما را با عبارتی چون «ملکوت خدا» (شریعت) (یا قانون) و «عهد و پیمان الهی» مواجه می‌سازد. معمولاً این واژه‌ها معانی سیاسی مشخصی را نیز می‌رسانند چرا که بسر نوعی مسئولیت جمعی تکیه دارند و رستگاری اجتماعی را در سایه رستگاری فردی ممکن می‌دانند. بر پایه همین اعتقادات بود که اجتماعات مذهبی یا ملی شکل می‌گرفت. خواه این اجتماع هیکل (معبد یهودیان) یا یک تجارت آزاد بود، انعکاس این اعتقادات در جنبه‌های گوناگون اجتماع در نهایت بصورت جریان پیوسته‌ای از آداب و سنن اخلاقی تلقی می‌شد.

اعتقاد به ملکوت خدا در طول تاریخ بشر بر اخلاقیات سایر فرهنگ‌ها نیز تأثیر عمیقی داشته است. بعنوان نمونه می‌توان از تأثیرات این اعتقاد بر «فرمانهای حتیها»^(۱) یا «فرمانهای حمورابی»^(۲) نام برد. از این مرحله و طی دو هزار سال بعد، استانداردهای اخلاقی مذهبی در ظل شریعت مدون پیشرفت کرد.

کلمه اخلاق (Ethics) که از واژه یونانی (Ethos) می‌باشد از یک فعل یونانی به معنای «خو گرفتن» اخذ شده و حاکی از آن است که آنچه شخصی بدان خو می‌گیرد، به شرایط او ثبات می‌بخشد و هدایت او را ممکن و با معنی می‌کند. ابتدا واژه (Ethos) معنی «نبرد» یا «تنازع بقاء» داشته، چرا که این واژه ابتدا به حیوانات نسبت داده می‌شد و جنگیدن برای تداوم حیات، مسأله‌ای اساسی بود. سپس بتدریج این واژه را در مورد روابط انسانها بکار بردند و (Ethos) بعنوان «اصل پیوستگی جامعه انسانی» مورد توجه قرار گرفت. یعنی نیروها و عواملی که به رفتار آدمی ثبات و امنیت می‌دهند. اما آنچه که به رفتار آدمی ثبات و امنیت می‌بخشد، چیزی نبود مگر پیوند و عهد خدا با انسان. تنها، نیرو و معیار الهی می‌توانست به انسان آدابی اخلاقی ببخشد.

اما بیگانگی انسان با خدا در طول تاریخ بزرگترین مانعی بشمار می‌رفت که تنها در مرگ عیسی مسیح بر صلیب جلجتا و فدیه او بخاطر گناهان می‌توانست چاره شود. چرا که مری مسیح بر صلیب در واقع ابراز لطف و بخشش خدا نسبت به انسان قاصر و به دور از ارزش‌های اخلاقی بود. لذا تجلی آداب اخلاقی بستگی به پاسخ آدمی نسبت به محبت خدا دارد. در این راستا پیدایش پاسخی همگانی نسبت به بخشش الهی منوط به برقراری حکومت الهی در همه زمینها است.

و به همین دلیل در قرون وسطی «سنت توماس آکوئیناس»^(۳) قوانین طبیعی را در کنار قوانین الهی نهاد و اظهارداشت: «درحالیکه خدا و انسان در طبیعت معادل هم نیستند، ولی کاملاً هم به یکدیگر بی شباهت نمی‌باشند و بر همین اساس قوانین انسان و قوانین خدا باید شباهتی با هم داشته باشد».

کلیسای قرون وسطی جامعه را یک ماشین اقتصادی تلقی نمی کرد، بلکه به آن بیشتر به دید یک موجود روحانی می نگریست. لذا رسیدگی به مسائل اخلاقی در فعالیتهای اقتصادی و تجاری از وظایف کلیسا بود. تا نه تنها این فعالیتها را کنترل، بلکه تخلفات موجود را نیز کاهش دهد. در واقع کلیسا تلاش می کرد تا جلوی زایش بی رویه سرمایه را بگیرد و مانع فرود شلاق فرساینده حرص و طمع بر پیکر جامعه شود. اما با وجودی که میارها عالی بود، متأسفانه نتایج همیشه به خوبی نبود و در اغلب موارد با شکست مواجه می شد، چرا که از طرفی از گسترش بی رویه امور اقتصادی جلوگیری می شد، اما از طرف دیگر به افراد بی صلاحیت که محورهای اقتصادی را در اختیار داشتند، قدرت نامحدودی تفویض می شد. اما این شکست از نیات خوب چیزی نمی گاهد.

پیدایش جامعه فئودالی اقدامات کلیسا را که سعی در تحویل و تنظیم اقتصاد جامعه داشت، عقیم می کرد. دوره رنسانس نیز در برهم زدن این تعادل نقش بسزایی داشت، چرا که اذهان همگان آماده بود تا دنیاهای تازه ای را چه از نظر فکری و چه از نظر جغرافیایی فتح کنند. بتدریج سرمایه داری در پرتو چنین فتوحات فکری و جغرافیایی رشد کرد و منجر به پیدایش طبقه تجار متوسط شد. با فرارسیدن قرن هجدهم رشد اقتصادی آهنگ پیشرفت و ترقی چشمگیری را بخود گرفت. و افکار عمومی را به این بینش سوق می داد که علاوه بر جلال دادن خداوند باید به فکر جلال دادن فردی نیز بود. در این زمان که توجه به جلال دادن مورد توجه قرار می گرفت و راه را برای انحراف بزرگتری باز می کرد، بسیاری از رهبران، مردم را به انکار نفس و ایثار و پرهیزگاری دعوت کردند. اما ثروت اندوزی و جذب دو دیده شهلای دنیا غلبه کرد.

در این میان کلیساهای انجیلی بالاخص کلیساهای متدیست^(۴) (پیروان جان ولسلی) با شروع انقلاب صنعتی سعی کردند تا وضع فقیران و مستضعفان را بهبود بخشند.

در این بین میراثی غنی از اعتقادات اخلاقی مبتنی بر مکتب آسمانی به چشم می خورد که بدون آن، هرج و مرج طغیان می کرد.

در زمانهای ظهور داروینسیسم علیرغم اهمیت زیادی که در علوم زیستی وجود داشت، خطر بزرگی نیز افکار عمومی را تهدید می کرد. به این معنی که بسیاری از پیروان داروین نه تنها به غیر قابل اجتناب بودن پیشرفت و تکامل اعتقاد داشتند، بلکه معتقد بودند که سرنوشت و تقدیر نیز اجتناب ناپذیر است.

و این دو عقیده از اعتقاد به اصل «بقای اصلح» ناشی می شد. بر این اساس سیستم سرمایه داری باید بوجود می آمد و این نوعی تکامل و تقدیر محسوب می شد.

به شکل مشابهی همین مطلب در مارکسیسم تحت عنوان «جبر تاریخ» مطرح می شد. بطوریکه مارکسیسم نیز حرکت بطرف سرمایه داری را

اجتناب ناپذیر می دانست.

اما در منجلا ب این فساد اخلاقی و رشد بیمار گونه اقتصادی، یک جریان بیدار کننده و هشدار دهنده در مورد مسئولیتهای اجتماعی شکل گرفت که محور آنرا «انجیل اجتماعی پروتستان» (PROTESTANT SOCIAL GOSPEL) تشکیل می داد. این خط فکری می گفت: «باید به پیش رفت و به بالا بسوی آنچه در آسمان است نگاه کرد. بسوی آنچه تمام خلقت بدان سود در جریان است، بسوی برقراری ملکوت خدا بر زمین» در این زمینه از سوی کشیشان، متفکرین و شخصیت های روحانی پروتستان اعلامیه هایی صادر شد که در ذیل نمونه هایی از آنرا ذکر می کنیم:

«... کلیسا باید برضد هرگونه پلییدی بجنگد... کلیسای مسیح باید هدایت تمدن عصر را بدست گیرد. هدف بزرگ و اصلی آن باید بوجود آوردن طبقه ای باشد که در آن برای هر دستی کار شرافتمندانه، برای هر دهانی نان، برای هر تنی جامه و لباس، برای هر ذهنی فرهنگ و برای هر دلی عشق و ایمان وجود داشته باشد... کلیسا یا باید دنیا را محکوم کند و برای

کانون گرم خانواده که برمدارا و بخشندگی، مهربانی و مصلطفت استوار است، با روش ها و ارزش های جامعه اقتصادی و تجارت مسیح شده در تضاد است.

تغییر دادن آن کوشش نماید یا باید آنرا تحمل کند و خود را با آن سازش دهد. و آینده کلیسا با این انتخاب هویت خود را مشخص و آشکار خواهد ساخت... حفظ انسان بطور مستقل و جدا از محیط زندگی اش میسر نیست. بلکه هدف این است که هر شخص در حوزه محیط و در میان ارتباطات اجتماعی اش حفظ گردد. لذا هر مسئله در واقع یک سوال مذهبی است و در نهایت اعمال آدمی واکنشی مذهبی خواهد بود... کلیسا در حوزه صنعت وارد خواهد شد و نیروهای کنترل کننده سرمایه را بر آن خواهد داشت تا به حل مناقشات بین خود بپردازند. تا با اشتراک مساعی بتوانند فعالیت مفیدتری ارائه دهند.

کلیسا به حوزه کار وارد خواهد شد و بر تمام جنبه های اخلاقی کردن آن تکیه خواهد کرد. و بدین ترتیب انجیل و پیام عهد جدید عملاً در تمام سطوح جای خود را باز خواهد کرد.»

تلاش های دیگری نیز در زمینه نقش کلیسا در اقتصاد و برنامه های اجتماعی در چند دهه اخیر صورت گرفته است که از میان آنها می توان به فعالیتهای شورای فدرال کلیساهای آمریکا اشاره کرد. این شورا جهت بررسی پروژه تحقیقات پیرامون ارتباط کلیسا با دنیای اقتصادی وارد عمل شد و بمنظور نیل به این هدف کمیته ای در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ از کشیشان، صاحب نظران مسائل اخلاقی و استادان علوم دینی تشکیل شد و به تحقیق و مطالعه گسترده ای در این زمینه همت گماشت.

حاصل این فعالیت مجموعه کتابهای هفت جلدی بود که ارتباط کلیسا با دنیای اقتصادی را بررسی می کرد. عناوین این هفت کتاب عبارتند از: «اهمیت زندگی اقتصادی» (۵) - «دیدگاه آمریکائی در مورد مسائل اقتصادی» (۶) «مسئولیت های اجتماعی صاحبان مشاغل» (۷) «انقلاب سازمانی» (۸) «درآمد آمریکائیان و نحوه کاربرد آن» (۹) «اخلاقیات در زندگی اقتصادی» (۱۰)، «مسئولیت های اجتماعی در رهبری فعالیتهای کشاورزی» (۱۱).

مدیران کمیته در خصوص این کتب می گوید: «شورای فدرال نظریات خویش را در مورد دنیا با روحیه ای حاکی از لزوم مبارزه بخاطر مستضعفان بیان داشته است. این مطالعات و بررسی ها به بسیاری از پرسشهایی که نه تنها مستضعفان بلکه مستکبران و میلیونها نفر طبقه متوسط را نیز دچار اشکال می کرد، پاسخی مناسب ارائه کرده اند.»

پیرو این مطالعات در گردهمایی عمومی کلیساهای در «دنور» کلرادو در سال ۱۹۵۲ در خصوص این فعالیتها گفته شد: «تمام کلیساهای مسیحی... نقشی رسوا کننده در زندگی مسلی

برعهده دارند. وظیفه آنان است که در ملت و تمامی طبقات متوسط و مؤسسات جامعه وجدانی بیدار بوجود آورند. بطوریکه هیچ گروهی از شهروندان نباید به خود این اجازه را دهند که برای خود امتیازات و حقوقی را در نظر بگیرند که حق سایرین را ضایع کند.»

مطالعه در این زمینه، محدود به پروتستانها نمی شود، بلکه دیدگاههای کاتولیک های رومی نیز در کتب مشابهی مشهود است، یکی از این کتابها بنام «اخلاقیات شغلی» که نقد جستجو گرایانه ای پیرامون جامعه شغلی دارد، توسط «هربرت جانسون» نوشته شده است.

این انسجام در طرح مسائل اخلاقی در جامعه شغلی و تجاری بیانگر علاقه و اعتقادی همگانی به اصلاح ساختارهای اقتصادی جامعه برپایه بینش الهی است.

در کنار این جرعه های نورانی کماکان با سئوالاتی از این قبیل مواجه می شویم: آیا همه چیز در جامعه شغلی ما سرد و بی روح است؟ آیا هیچ نشانه امیدویی نیست و هیچ شکلی از احیای ارزش های اخلاقی وجود ندارد؟

پاسخ آن است که علاوه بر طرح مسائل بصورت تئوری، نشانه های امیدبخش بسیاری نیز وجود دارد. از جمله:

۱- در جامعه ما دیگر آن تسلط دزدی و گانگستری مثل پیشین وجود ندارد. ممکن است افراد مسلح بسیاری وجود داشته باشند، اما سدهای قانونی زیادی موجب کاهش هرج و مرج

وناامنی‌هایی شده است که در دهه‌های قبل دیده می‌شد.

۲- در بین ثروتمندان که در گذشته حسی تحقیر و اهانت به عامه وجود داشت، امروز حسی از خدمتگزاری به مردم وجود دارد. سخاوتهای آگاهانه و خدمات اجتماعی بسیاری که در بعضی موارد حتی دولت‌ها را هم دستگیری می‌کند، مشهود است. میلیون‌های زیادی هستند که معتقدند در ثروتمند شدنشان دست پنهان و حمایت کننده‌ای وجود داشته است. خیلی از آنان اینرا شانس می‌دانند، اما عده کمی از آنها می‌توانند مثل «جان. دی. را کفلر» بگویند که: «خدا پول مرا بمن داده است.» او ثروت خود را از آن خدا می‌دانست. اینگونه نگرش در ثروتمندان جامعه کم نیست.

۳- اکثر اعتراضاتی که علیه بی‌عدالتی در جامعه صورت گرفته، نتیجه بخش بوده است. این نتایج گاه بصورت تصویب لایحه‌های جدید یا اصلاح قوانین قبلی مطابق عدالت اجتماعی بوده و همچنین این اعتراضات باعث ایجاد آگاهی عمومی نسبت به وظایف دولت شده است. بطوریکه مسئولین در عملکردهای خود همواره گوشه چشمی به عکس‌العمل جامعه و موج اعتراضات داشته‌اند.

۴- پرورش نسل جدیدی که خود را وقف خدمت اجتماع کرده است، نسل متعهدی که با وجدانی بیدار، مراقب و نگران تحولات اجتماعی است، از آن جمله می‌توان «سازمان خواهران جوان مسیحی» (۱۲) را نام برد.

که بدون هیچ چشم داشتی به پاداش، در سطوح مختلف اجتماعی به خدمت مشغولند. این گروه از آن دسته روحانیونی نیستند که زمانه آنها را روحانی کرده باشد و زاید شرایط باشند و به اصطلاح شعارشان این باشد که «به مذهبی بودنش می‌ارزد» این گروه گرچه قلیل‌العدد می‌باشند، اما در تمام طول تاریخ مذهبی و اجتماعی، همین قشر کوچک اما متعهد بوده که پرچم مبارزات حق طلبانه و عدالت‌جویانه را به پیش برده است.

در عصری که تنها نشانه‌ها و جلوه‌های منفی به چشم می‌خورد، تمامی موارد فوق از عوامل مثبتی است که به طرق مختلف آشکار می‌شود.

بعنوان یک مسیحی پای‌بند به مذهب پروتستان، ایمان دارم که هر مذهب پویایی در قرن بیستم باید اصول ذیل را در برنامه‌های اجتماعی خود دنبال کند:

۱- مذهب در طول تاریخ به این نکته توجه داشته است که هر جامعه‌ای با هر شیوه اقتصادی از افرادی تشکیل شده که مخلوق خدا می‌باشند و هر نیروی اجتماعی که به شان و ارزش افراد صدمه وارد آورد، باید مورد قضاوت و داوری خدا قرار گیرد. لذا قضاوت‌های اخلاقی باید بر تمام جنبه‌های جامعه حاکم باشد و معیار این قضاوت‌ها



اخلاقی و گسترش روزافزون وابستگی‌ها و مشغله‌های اقتصادی در رفع احتیاجات، از عواملی است که نابودکننده خلاقیت‌ها و استعداد‌های بشری است.

۶- در همین راستا، مذهب که بهبودی زندگی عموم مردم را مدنظر دارد، باید در مورد محدودیت‌هایی که تحت عنوان استانداردهای مشخص و قانونی از هر گونه خلاقیت در زمینه هنر و فنون جلوگیری می‌کنند، هشدار دهد. فی‌المثل اکثر مردم نمی‌خواهند در سنین ۶۰ یا ۶۵ یا حتی ۷۰ سالگی بازنشسته شوند و ممکن است بخواهند تا هفته‌ای ۴ ساعت یا حتی بیشتر هم بکار بپردازند، اما مستأسفانه

قانون بازنشستگی عمومی از شکوفایی این استعدادها و توانایی‌ها جلوگیری می‌کند.

برچیدن استانداردهای بظاهر قانونی اما در عمل دست و پاگیر مسلماً در ارتقای سطح عقلانی و معنوی آنانکه مایل به ادامه فعالیت‌هایشان هستند، تاثیر چشمگیری خواهد داشت. اگر چه ممکن است آنها نایب نباشند، اما همچون گوتة یا لثورناردودا وینچی یا آلبرت شوابرتز یا توسکانینی ممکن است بهترین آثار و فعالیت‌هایشان در خزان عمرشان ظهور کند.

۷- مراکز مذهبی باید به مقابله با جرائم، ناهنجاری‌ها، ظلم‌ها، فسادهای گوناگون در جامعه بیا خیزند و به این ترتیب گامی در تطهیر و

قانون «محبت الهی» است. هر نظام اجتماعی که مغایر با این معیار به فعالیت مشغول است، باید محکوم و دگرگون شود.

۲- مذهب باید لااقل در بین گروندگان خود حسی از بخشش و فروتنی بوجود آورد. حال این گروندگان در سطوح مدیریتی باشند یا کارگران و کارمندان جزء. در هر حال باید روحیه تازه‌ای از وضع یا اجرای دستورات در مردم پدید آید.

۳- مذهب باید مراقب بی‌تفاوتی و رخوت عمومی نسبت به مسائل اجتماعی باشد. هر کس در جامعه به فراخور استعداد یا توانایی‌اش مسئولیت و تعهدی خاص دارد. پولس حواری مسیح در رساله اول خود به قرن‌تینان فصل ۱۲ می‌گوید که اولاً تفاوت استعدادها و عطایا باید تمیز و تشخیص داده شود. ثانیاً هر کس باتوجه به استعداد خود باید در اجرای دقیق قوانین و مسئولیت‌ها به نحو احسن با مسائل روبرو شود. ۴- مذهب باید به فعالیت‌های خود در مستحکم کردن پایه‌های عدالت اجتماعی ادامه دهد. هر چند این حرف‌ها قدیمی و کهنه بنظر آیند، اما اینگونه مبارزات نوعی امنیت و ثبات اجتماعی را بوجود می‌آورد. مذهب باید سعی کند مواردی را که در برگیرنده عدالت اجتماعی است از تصویب قانونگذاری بگذراند.

۵- یکی از ضروریات اقدام به عدالت اجتماعی، برانگیختن انسانها برای مقابله با خطر بی‌رونی شدن خلاقیت‌ها است. سست شدن پایه‌های

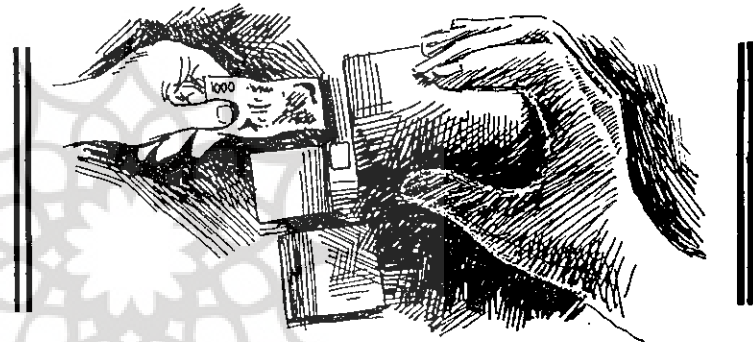
تقدیس تمدن بردارند. جذبه‌های مادی شهرها و تمدن شهری موجب اغوای اقشار مختلف صرف‌نظر از مومن یا، بی‌ایمان می‌شود. لذا لزوم استقرار عدالت در سایه برادری و برابری باید مورد توجه قرار گیرد.

اما در عین حال عوامل مذهبی در این زمینه نباید فریب‌این را بخورند که حل مشکلات منوط به تشکیل جامعه‌ای سوسیالیست است. چرا که تئوری سوسیالیزم قادر به حل مسائل اخلاقی ناشی از هیچ نوع سیستم اقتصادی نیست.

در گذشته گروه‌های مذهبی بسیاری وسوسه شده‌اند که به طرقی برابری‌ها و فعالیت‌های عدالت خواهانه را بوجود آورند تا مدینه فاضله یا همان ملکوت خدا بر زمین را تحقق بخشند. اگر چه فعالیت‌ها در پاره‌ای موارد فی‌النفسه خوب بوده، اما استقرار ملکوت خدا بر زمین و محدود کردن آن صرفاً به جنبه‌های اقتصادی ناشی از نابخردی

این است که بهره‌برداری روز افزون از کامپیوتر و

شتاب سریع تکنولوژی، تحولات بنیادینی را در سیستم اداری بوجود خواهد آورد که موجب افول روابط و به سردی گرائیدن عواطف بشری خواهد شد. قشر عظیمی از مردم تارومار خواهند شد و احساس عدم امنیت و بی‌ثباتی، روح آنان را تسخیر خواهد کرد. اضطراب که می‌تواند منجر به بروز بیماری‌های عصبی و روانی شود، از شایع‌ترین اثرات تمدن دهه‌های آتی خواهد بود. با از بین رفتن و کاهش حومه‌های برخی از شهرها، یا حفاری باستانشناسی در اطراف شهرها (که نوعی هدایت مردم به عقب‌نشینی و خزیدن در داخل شهرهاست) رشد و بروز بیماری‌های گوناگون را می‌توان انتظار داشت. همه تلاش می‌کنند تا نوعی آرامش و امنیت برای خود بوجود آورند. عده‌ای ممکن است با تجهیز خود برای جنگ‌های بزرگ و احساس امنیت در سایه تسلیحات جنگی خود را بی‌نیاز و



برتر بدانند.

همچنانکه ملل برخی از کشورها چنین گمانی را دارند. اما همین آنها را از مسائل حقیقی‌اشان در زندگی منحرف خواهد ساخت. پرداختن به این مساله اقتصاد عمومی به ویژه خود مردم را با مشکلاتی مواجه خواهد ساخت. بطوریکه خود را با مسائل نوظهورشان سازش خواهند داد. حال این تطابق‌ها در زمینه اقتصادی یا شخصی باشد، در هر حال آنها را دائماً در دام سعادت کاذبی خواهد انداخت که اثرات سنگین مسائل اخلاقی را نیز به ارمغان خواهد آورد. خصوصاً اینکه سنگینی این بار بر آنانیکه معتقد به اصول اخلاقی هستند، بسیار زیاده‌تر خواهد بود و آنها را بشدت تحت فشار قرار خواهد داد. در این بین نقش مذهب کاستی چنین بارهای سنگین است.

۱۰- مذهب باید تجارت و صاحبان صنایع بزرگ را در برابر این اتهام که راستی و صداقت بشری مسخ شده و همچنین وسوسه‌هایی که ممکن است دامگیر آنها بشود، محافظت کند. متوجه ساختن آنها با چنین وسوسه‌های کاری بس متفاوت‌تر از این است که صرفاً بگوئیم همه نسبت به اجتماعشان در خطا بوده و گناه کرده‌اند. تا وقتیکه درک نکنیم که انسان فقط محض ناز نیست نمی‌کند (انجیل متی باب ۵ آیه ۴) و اینکه ذات انسان فقط محدود به داشتن یکسری

و در دست نفهمیدن واقعیت‌های مربوط به آن است، لذا باید از چنین نگرشی اجتناب کرد. نباید فراموش کرد که اهداف مذاهب چیزی بالاتر از نظام سوسیالیستی است.

۸- مذهب باید همیشه متوجه و ناظر چگونگی تقسیم دارایی‌های ملی باشد. چیز غریبی نیست اگر بگوئیم: «ثروتمند متمول تروفقر مسکین‌تر می‌شود.» اما واقعیتی در همین ضرب‌المثل وجود دارد چرا که در جمع بندی کلی از اقتصادمان می‌بینیم که بحرانها و شکافهایی ظهور می‌کنند که ثروتمندان قادر به پشت سر گذاشتن آنها هستند، اما بقیه در آنها سالیان سال گرفتار می‌مانند. صاحب نظری این واقعیت را چنین بیان می‌کند «قشری که در این منجلاها گرفتار می‌ماند فقیر یا کاملاً تهیدست است، بطوریکه یا بیکار است یا اصلاً قادر به کار نمی‌باشد.»

۹- مذهب در تماس نزدیک خود با مردم همیشه با دردهایی چون: احساس تنهائی، اضطرابات درونی و روحی، تصور و غفلت، احساس گناه، مناقشات و عدم تفاهم و ناراحتی‌های شخصی از قبیل درگیری‌های خانوادگی و شغلی و تمام آن چیزهایی که ممکن است در دهه‌های آینده ره آورد توسعه اقتصاد جوامع ما باشد، مواجهه بده است.

آنچه از کنون می‌توان درباره آینده تصور کرد

وسایل رفاهی نیست، هیچ روشی خواه از منبر باشد، خواه با برنامه‌های آموزشی و تربیتی کلاسیک، هیچ یک کارگر و مؤثر نخواهند بود. مذهب اگر همواره هادی مردم به این حقیقت تاریخی باشد که: «... شخص را چه سود دارد که تمام دنیا را ببرد و جان خود را ببازد؟...» (انجیل متی باب ۱۶ آیه ۲۶) هرگز بی‌اعتبار و بی‌ارزش نخواهد بود.

همه ما غنی و فقیر، مثل هم به زندگی با دیدگاه جدیدی خواهیم نگریست. اگر این مثل مسیح را در انجیل لوقا باب ۱۲ آیات ۶۱-۲۱ بیاد آوریم که مردم ثروتمندی پیوسته و بی‌وقفه در صدد افزایش ثروت خود بود و فراموش کرده بود که عمر کوتاه است و فانی. در باره او می‌خوانیم که خدا به او گفت: «ای احمق در همین شب جان تو را از تو خواهند گرفت.» عیسی در ادامه خطاب به تمام آنانی که چون آن مرد غرق در دنیای اقتصادی

هستند می‌فرماید: «همچنین است هر کسی که برای خود ذخیره کند و برای خدا دولتمند نباشد.» و بدین ترتیب عیسی مسیح ارزش‌های اخلاقی را فراتر از هر سیستم اقتصادی و تجاری می‌داند و لزوم همسوئی تجارت با ارزش‌های اخلاقی را خاطر نشان می‌سازد.

«حواشی متن»

۱) حتیها: تمدن‌ترین و نیرومندترین اقوام هند و اروپایی باستان بودند. پایتخت دولت آنها در محلی بود که اکنون «بوغازکوی» نام دارد. (نقل از تاریخ تمدن- ویل دورانت- جلد اول صفحه ۲۳۵)

۲) حمورابی: در سال ۲۱۳۳-۲۰۸۱ ق.م در بابل به‌عنوان حکمران بوده است. (نقل از تاریخ تمدن ویل دورانت- جلد اول صفحات ۲۶۰-۲۶۲)

۳) سنت توماس آکوئیناس: متولد سال ۱۲۲۶ در قلعه لوکاسکا نزدیک آکوئینو. او بزرگترین فیلسوف مکتب مدرسی است.

۴) متدیست (جان ولسلی): در سال ۱۷۸۴ جان ولسلی در رأس گروهی قرار داشت که از نظر زندگی پرهیز کارانه و اجتماعی آنچنان منضبط و با دسیپلین بودند که گویی زندگی آنها از سبک و مستد خاصی پیروی می‌کنند. این گروه که بعدها متدیست نام گرفت بیداری روحانی عظیمی در انگلستان و سایر کشورهای مسیحی بوجود آورد. (نقل از کتاب CHRISTIAN CHURCH بقلم الیزابت لیونگستون)

5-GOALS OF ECONOMIC LIFE

6- AMERICAN ATTITUDES ON ECONOMIC PROBLEMS

7- SOCIAL RESPONSIBILITIES OF BUSINESSMAN

8- THE ORGANIZATIONAL REVOLUTION

9- AMERICAN INCOME AND ITS USE

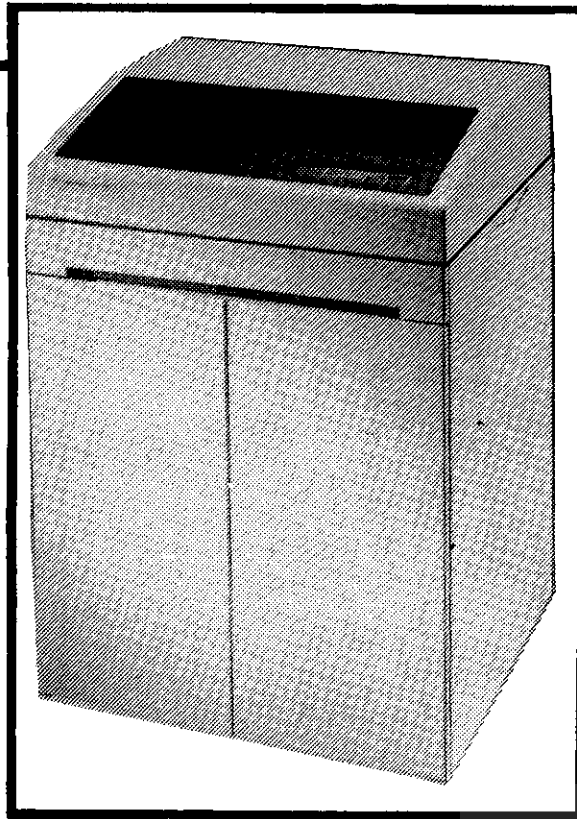
10- ETHICS AND ECONOMIC LIFE

11- SOCIAL RESPONSIBILITIES IN FARM LEADERSHIP

۱۲) دو مرکز به این نام (YOUNG WOMEN CHRISTIAN ASSOCIATION) در سال‌های ۱۸۵۵ و ۱۸۷۷ توسط دوشیزه رابرت و خانم کنیابردتاسیس شده‌اند.

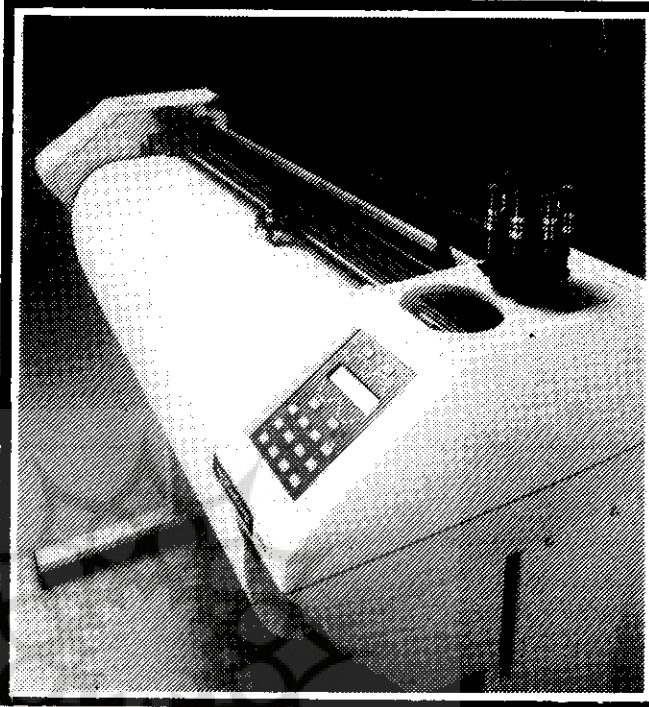
* این مقاله براساس دیدگاهی خاصی از مسیحیت است و تصویرگر تمامی دیدگاه‌های کتاب مقدس نیست. □

شرکت نگار عرضه کننده انحصاری محصولات:



۱- کمپانی CALCOMP بزرگترین سازنده تجهیزات گرافیکی در دنیا.

- PEN PLOTTER
- ELECTROSTATIC PLOTTER
- THERMAL TRANSFER PRINTER
- DIGITIZER



با قابلیت اتصال به PC و IBM MAINFRAME MINI

۲- کمپانی CONTEX سازنده SCANNER سایز بزرگ برای سیستم CAD و بایگانی اسناد فنی. با قدرت تفکیک ۴۰۰ تا ۶۰۰ نقطه در اینچ در اندازه‌های A1 و A0 و قدرت تشخیص تا ۱۲۸ سطح خاکستری.

۳- کمپانی GENICOM از معتبرترین سازندگان چاپگرهای ماتریسی و خطی در دنیا. چاپگرهای خطی با تکنولوژی SHUTTLE و BAND با سرعت ۲۰۰۰ خط در دقیقه.

● چاپگرهای ماتریسی HEAVY DUTY با سرعت تا ۶۰۰ کارکتر در ثانیه.
● با قابلیت اتصال به انواع کامپیوترهای IBM MAINFRAME و MINI, PC

شرکت نگار

تهران - خیابان استاد مطهری - خیابان جم (فجر) - خیابان تابنده

(شهید لطفی) - کوچه بهرامی - پلاک ۷

تلفن: ۸۳۸۶۲۸ - ۴۴۰۸۴۵۰ تلکس: ۲۱۲۴۴۱

فاکس: ۸۳۵۹۹۷ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۱۴۱۴



نگار